

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه مومنون (جله سوم)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۱۷/۱۱/۹۴

- در این سوره بیان می شود که توجه ویژه مومنین به نماز، اعراض از لغو، زکات، حفظ فروج، ادای امانات، عهد و دو مرتبه حفظ نماز است.

وَ الَّذِیْنَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۵)

یکی از نقطه ضعف هایی که انسان می تواند داشته باشد و تقریباً می شود گفت که دارد، مسائل جنسی و غریزی است. خیلی از افراد فکر می کنند که وقتی ازدواج می کنند مسائل جنسی و غریزی شان حل می شود و به همین علت هم ازدواج می کنند ولی خوشبختانه یا متأسفانه بعد از ازدواج در نوع انسان هایی که ازدواج می کنند غریزه جنسی تقویت می شود به دلیل دلایل مختلف.

بسیاری از اختلافاتی که در خانواده ها بوجود می آید به خاطر همین مسئله است و تعارض هایی که افراد پیدا می کنند یعنی عدم تناسب افراد از نظر جنسی، یا مرد قوی تر است یا زن قوی تر است یا هر دو قوی هستند ولی برای هم کافی نیستند.

بحث های جنسی، بحث های خیلی مهمی هستند وقتی درباره این موضوع بحث می کنیم و می خواهیم خلاصه همه بحث را جمع کنیم به این می رسیم که انسان باید تقوا داشته باشد و فکر نکند به صرف اینکه ازدواج کرد غریزش اجابت می شود، شاید در هر صدتایی یک یا دو نفر برای شان این اتفاق بیفتد و دلیلش این است که به هر حال محدودیت هایی وجود دارد که شرایط خانم یا آقا ارضاء بشود، چه کار می شود کرد؟ آقایان می گویند که یک زن دیگر می گیریم.

این تلقی در بین افراد مذهبی زیاد است که ما به هر حال باید غرایض جنسی مان به سمت درستی برود و اگر نشد بایک زن، با تعدد زنان؛ این کار درستی نیست و استناد دادن به روایات و مکتب اهل بیت علیهم السلام، این درست نیست و افراد باید بدانند که با بد چیزی شوخی می کنند.

افراد باید بدانند که در هرسن و شرایطی که باشند امکاناتی برای شان پیش می آید که لازم است آیات شریفه ۷۰ و ۷۱ را رعایت کنند. ممکن است یک نفر بعد از ده سال ازدواج از یک نفر خوشش بیاید و این موضوع مهمی است که خدا فرموده انسان باید طهارت جنسی داشته باشد و اگر این را رعایت کند امید است که مابقی مواردی که آیات فرموده برایش تحقق پیدا کند؛ و غیر از این را به عادی تعبیر کرده است.

کسی که نتواند از نظر غریزی خود را کنترل کند به طور طبیعی به زنجیره ای ظلم می کند. حفظ نکردن فروج به طور طبیعی و در طبعش تعدی به حقوق دیگران است.

صیغه حلال است اما چطور می توان راضی شد که مومنه ای را اذیت کرد

مراعات کردن هایی که منجر می شود حریم ها حفظ شوند لازم است در جمع ها رعایت شود. اگر ارتباط پیدا کردن با اقوام و خویشان لطمه به این سیستم می زند باید کنترل شود در واقع این حکم تنظیم کننده روابط بین افراد در جامعه است.

أَوْلَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ (۱۰)

حضرت علامه رحمه الله فرمودند: در روایات هم آمده که برای هر انسانی در بهشت، منزلی و در آتش منزلی است، و چون کسی بمیرد و داخل آتش شود، سهم بهشت او را به اهل بهشت ارث می دهند.

در نظام اجتماعی، آدم خنثی نداریم یا حق است یا باطل! وقتی افراد در باطل شدیدتر می شوند باید آدم ها در حق قوی تر شوند، در واقع اهل باطل زمینه درجات و کرامات بیشتری را به همان اندازه برای اهل حق ایجاد می کنند و این روایت در حد مثل است.

کسانی که در زندگی‌شان به هر دلیلی هم جوار با اهل باطل می‌شوند، اگر استمرار روی حق‌شان داشته باشند به طور طبیعی توسط آن افراد باطل، مورد حمله قرار می‌گیرند هرچقدر این‌ها مقاوم‌تر باشند درجات‌شان افزایش می‌یابد در واقع معضلات اجتماعی سبب ارتقای سطح بهشت‌شان است.

مومن از مقابله‌ها نمی‌ترسد و از مواردی که ممکن است در جامعه به او نسبت دهند هم نمی‌ترسد زیرا می‌داند که این‌ها برایش فرصت است و طبق روایت اینها سهم اهل بهشت را برای خودشان کرده‌اند.

سوره مبارکه مومن، سوره بسیار شگفت‌انگیزی است که با بحث فلاح شروع می‌شود و به سمت یرثون فردوس می‌رود یعنی فلاح مومن را ارث فردوس معرفی می‌کند و این بدان معناست که مومن آن است که فردوس را به ارث می‌برد.

ادامه آیات خیلی باشکوه و عجیب است.

وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِّن طِينٍ (۱۲)

ثلاثه اسم هرچیزی است که از چیزی بیرون کشیده شده، مثل عصاره است.

ماهیت طین خاک، آب و هوا است یعنی معجونی از این‌ها را طین می‌گویند که یک ماده لزج چسبنده‌ای که از خاک بوجود آمده است.

ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ (۱۳)

به خلق اولیه و ادامه خلق اشاره می‌کند.

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (۱۴)

واژه خلق را ذکر می کند نه جعل، یعنی وقتی یک نطفه را در رحم فرض می کنی، علق شدنش از نطفه یک خلقی دارد و این طور نیست که یک نطفه ای در یک قرار مکینی قرار بگیرد بعد خودش بچه بشود.

این جا اصرار دارد که در هر مرحله خلق بگویند یعنی برای هر مرحله ای یک خلقی اجرا می شود. می خواهد بگوید خلق خداست.

نطفه به معنی یک آب بی مقدار بی چیز نیست، خیلی قیمت دارد یک خلق دارد و نطفه یعنی استعداد یعنی یک توان بالقوه که قابلیت تقدیر دارد.

"ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ": در بین این مراحل یک خلق دیگری انجام می شود که خدا در آن جا می فرماید "تبارک الله احسن الخالقين".

خداوند این جا مراحل فلاح را نشان می دهد این که یک نطفه ای علقه شود، علقه ای مضغه شود، وقتی می گوید "ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ" به آن می گوئیم فلاح.

هفت سال اول نطفه، هفت سال دوم علقه، هفت سال سوم مضغه، هفت سال چهارم عظام، هفت سال پنجم لحم و مرحله آخر می گوئیم "ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ" که باید به یک قرار برسد و از این رزق طعام کند و عجله نکند.

شما باید بدانید وقتی نماز می خوانید احکام شرعی را رعایت می کنید، حتما خدا هدایت تان می کند. آدم نماز خون و گناه نکن تکویناً به هدایت می رسد فقط باید لغو از اعراض و حفظ نماز داشته باشد و این کارها حتماً او را به خلق آخر می رساند.

مشکل ما این است که یک خلق آخر مثل آقای بهجت را جلوی چشم می آوریم و همان را چماق خود می کنیم. باید زمان بگذرد و این مراحل را طی کنی. اگر راست می گویی خودت را با حالت مضغه آقای بهجت مقایسه کن.

یک نفر می گفت اگر نطفه ای، نطفه خوبی باش، اگر علقه ای، علقه خوبی باش. فهم من محدود است، خیلی چیزها را نمی فهمم ولی در همین مقدار فهم آدم باید خوب باشد. فهم محدود است از آیه قرآن این مقدار می فهمی، ظرفیت همین قدر است همین را استفاده کند تو را بالا می برند، تو نگران علقه شدنت، مضغه شدنت نباش. همین قدر را که می فهمی، به همین اندازه عمل کن و از همین مقدار انصراف نده.

این آیه می‌گوید نظام عالم، نظام تدریج است. آدم باید مسیر پیشرفت را طی کند همان‌طور که هر چه‌ای متفاوت است آدم‌ها هم متفاوت هستند نباید خود را با دیگران مقایسه کرد و همین‌طور باید در این مسیر برود تا بگویند "فتبارک الله احسن الخالقین"

به همان اندازه‌ای که می‌فهمید عمل کنید، آن‌ها را کنار نگذارید همین مقدار که به سمت هدایت باشی دست را می‌گیرند مثل پله برقی است کافی است بروی رویش بایستی، تو را می‌برد.

نماز را باید به عنوان یک شاخص بگذارد

خشوع احساس قلبی نسبت به خدا و تاثیرش روی اعضا و جوارح باید باشد و حتما باید حس‌تان با نمازهای قبل فرق کند. اگر معرفت‌مان نسبت به خدا تغییر نکند یعنی ما داریم پس رفت می‌کنیم.

خشوع، حفظ برای نماز معیار است یعنی میزان التزام فرد به نماز، میزان است.

انسان تا موقعی که به قدم صدق برسد بشارت به او تعلق نمی‌گیرد یعنی نمی‌تواند بگوید این علمش ثابت است به معنای دیگر انسان دارای مراتب است بدان معنا که از یک جهت معرفتش بالا و یا پایین می‌رود و تمام مشکلاتش از همین موضوع تا متوازن بودن معرفتش است. اگر این هماهنگی کم باشد نتیجتاً جایی کم می‌آورد و سقوط می‌کند یعنی در مراتب باید یک بالانس و میزانی نسبت به معرفت داشته باشد.

آدم هیچ وقت نباید ناامید باشد.

افرادی که در حرکت می‌باشند ولو این که هزار سال طول هم بکشد حتما اهل بهشت هستند زیرا در برزخ باقی مراحلش را طی می‌کنند لذا مراحل‌شان بالا می‌آید؛ ولی اگر کسی ایستاد و در یک مرحله‌ای مرگش اتفاق افتاد و خلقتش را ادامه نداد به شفاعت نمی‌رسد. شفاعت قانون دارد و قانون آن در مسیر بودن و سیر داشتن است که می‌تواند سرعت را جبران کند.

شفاعت دو نوع است، یک شفاعت تکوینی و یک شفاعت تشریحی. هر کسی که شما را به سمت کمال سوق می‌دهد شفیع شما است و این همان شفاعت تکوینی است، شفاعت تشریحی می‌شود مقامی که اولیای الهی، انبیا، امام و رهبر در سیستم باید و نبایندی دارند.

نکته‌ای بسیار مهمی که برای تمثیل باید در ذهن داشته باشید این است که :

ما اگر بخواهیم فلاح را مثال بزیم، تولد یک نوزاد را مثال می‌زیم منتها تولد نوزاد باید به نسبت به دنیا آمدن یک موجودی باشد که قبل از نوزاد باشد یعنی فلاح یعنی تا این انسان انسان نشود بهش فلاح نمی‌گویند مثل این که یکی بچه‌اش هشت ماهه بدنیا بیاید به این فلاح نمی‌گوییم.

فلاح مومن یعنی وضعیتی از مومن که وقتی او را در بهشت قرار می‌دهند می‌تواند به سبک بهشت با گوشش، چشمش و یا پایش کار کند و اگر این‌گونه نباشد اسمش را فلاح نمی‌گویند. فقط و فقط فلاح مال آن زمانی است که انسان درحالی که ایمانش کامل است، کاملاً از دنیا برود لکن در غیر این صورت به آن فلاح نمی‌گویند خود انسان از این بستر جنینی دنیا که می‌رود در بهشت نرود و وارث چشم و گوشش نباشد، فلاح یعنی در بهشت انسان کامل می‌خواهیم، فرد باید مومن باشد.

خدا برای بهشت، انسان کامل را در نظر گرفته است یعنی "قد افلح المومنون" در غیر این صورت افلح نیست و یک قسمتش لنگ است چشم ندارد، ناقص رفتن در روز قیامت بدترین اتفاقی است که برای انسان می‌تواند بیفتد، دلیلش این است که وضعیت انسان در قیامت ثابت است و مثل اینجا نیست اگر نابینا است تا آخر نابینا است.

آیات اولیه همه مولفه‌های هر دوره را دارد و به میزان فعال شدن آن مولفه‌ها، سن آدم‌ها مشخص می‌شود. بر اساس ابتلائات افراد می‌توان سن آن‌ها را فهمید.

اگر بخواهیم مولفه‌گیری کنیم آیات اول را می‌توان در دوره‌های رشد قرار داد. در یک سنی ابتلا فرد اعراض از لغو نیست. بقیه آیات سوره خیلی می‌تواند کمک کند بالاخص بحث خیر و سبقت از خیر را که مطرح می‌کند.

میزان سن حقیقی نطفه، مضغه و... را در سرعتی که در خیر دارد می‌شود فهمید یعنی هرچقدر فرد پایین‌تر است مبادرتش به خیر کمتر است و هرچه به سن بالاتر می‌رود سرعتش در خیر بیشتر است.

در این سوره یکی از شاخص‌های رشد، سبقت و سرعت در خیر را معرفی می‌کند.

"فتبارک الله احسن الخالقین" به مخلوق برمی‌گردد یعنی می‌خواهد بگوید این اگر انسان است در ابعاد مختلف رحمت بر او نازل می‌شود و این آفرین گفتن یک آفرین معمولی نیست مثل این که این موجود آخر را اصلاً نمی‌توانی با قبش مقایسه کنی مثل این که بخواهی امیرالمومنین علیه السلام را با بقیه مقایسه کنی.

انسان از "تبارک الله احسن الخالقین" انشائی است، در صورتی که خبر است. اشاره به این دارد که این انسان از حالت ابتر بودن خارج شده و به کوثر وصل شده است که به این تبارک می‌گویند. در واقع ابتر یعنی از مرحله‌ای قطع شدن؛ برخی از نطفه، برخی مضغه و... باید صله و نحر کرد و شانه پیامبر نبود.

هر کس به گناه میل کند و گناه کند قطع می‌شود. هر کسی که دچار یاس باشد و امید به رحمت خدا نداشته باشد، قطع است. هر کس که خودش را از نماز جدا کند، منقطع است.

ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ (۱۵)

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ (۱۶)

یعنی مراحل تان را که طی کردید، می‌میرید. یعنی سیر پیشرفت او قطع می‌شود و در برزخ قرار می‌گیرد. تا این که برمی‌گردد و وصل می‌شود. خیلی این آیه عجیب است.

وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ (۱۷)

آدم با هر زمینه رشدی یک دربی از آسمان برایش باز می‌شود، وقتی نطفه است یک آسمان دارد، وقتی علقه شد آسمانش فرق می‌کند، در هر حالتی ارتباطش با آسمان فرق می‌کند.

دعا کنیم که خداوند ما را در مسیر "قد افلح المومنون" قرار بدهد چه بفهمیم و چه نفهمیم و از طریق جهنم دور کند چه بفهمیم و چه نفهمیم البته اگر افاضه کرد که بفهمیم بهتر است به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

تعجیل در فرج امام زمان (عج) صلوات